



## تأثیر ابعاد ریسک بر قیمت‌گذاری حسابداری

کاوه آذین فر<sup>۱</sup>

عباس قدرتی زوارم<sup>۲</sup>

محمد نوروزی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۸

### چکیده

با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابداری و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حسابداری، پیدا کردن روشی اثربخش برای کنترل کیفیت حسابداری، امری ضروری است. مهم‌ترین جنبه کنترل و مدیریت کیفیت حسابداری را می‌توان حق‌الزحمه حسابداری دانست و ویژگی‌های حسابداری واحد مورد حسابداری، تعیین‌کننده حق‌الزحمه حسابداری هستند. ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی، از جمله هزینه‌های نمایندگی می‌تواند از طریق تأثیر بر سه عامل توصیفی ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بر حق‌الزحمه تأثیرگذار باشد. از این رو، هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر ابعاد مختلف ریسک شرکت بر حق‌الزحمه حسابداری است. جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران شکل داده است و شامل ۸۵ شرکت فعال در صنایع مختلف طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ است. به منظور تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده گردیده است. یافته‌های پژوهش که با استفاده از مدل رگرسیون خطی صورت گرفته، نشان می‌دهد که یک رابطه نسبتاً قوی بین ریسک مالی و ریسک عملیاتی با حق‌الزحمه حسابداری وجود دارد که از لحاظ آماری معنی‌دار است و همچنین شواهدی مبتنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین ریسک تجاری و حق‌الزحمه حسابداری یافت نشد.

**واژه‌های کلیدی:** ریسک مالی، ریسک تجاری، حق‌الزحمه حسابداری، ریسک عملیاتی.

۱- استادیار گروه حسابداری، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات. Azinfarbaboli@yahoo.com

۲- استادیار گروه حسابداری، آموزشکده پروفیسورحسابی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، شیروان، ایران

۳- استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و تربیت بدنی، دانشگاه گنبدکاووس، گنبدکاووس، ایران

## ۱- مقدمه

منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق‌الزحمه تأمین می‌شود که از انعقاد قرارداد با صاحب‌کاران عاید می‌شود. حسابرسان جهت قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند و تحقیقات زیادی نیز در رابطه با شناسایی و ارزیابی این عوامل انجام شده است. عوامل توصیفی که در اغلب موارد مدنظر قرار گرفته‌اند شامل عوامل ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بوده است. جهت استفاده از خدمات حسابرسی باید مبلغی به‌عنوان حق‌الزحمه خدمات حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرس و با توجه به ارزیابی وی از حجم و ریسک کار حسابرسی تعیین می‌گردد (حجازی و دیگران، ۱۳۹۱). در واقع، حسابرسی حرفه‌ای است که در آن حسابرس بایستی ریسک نرخ نامشخص بازده را برآورد کرده و این ریسک را در نتیجه قیمت‌گذاری حسابرسی منعکس نماید (سیمونیس و آستین، ۱۹۸۷)<sup>۱</sup>. حسابرسی فعالیت اقتصادی است که سود معقولی از آن انتظار می‌رود. این‌که چگونه و با چه مبلغی می‌توان یک کار حسابرسی را انجام داد تا هم اطمینان معقولی برای ذینفعان حاصل شود و هم بازده لازم از آن کسب گردد، چالشی است که ذهن محققان زیادی را به خود مشغول کرده است (ملکیان و دیگران، ۱۳۹۱). در چنین وضعیتی، حسابرسی موفق است که بتواند با توجه به ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی، بهترین برآورد را از حق‌الزحمه خود داشته باشد تا ضمن حفظ کیفیت کار، آن را با حداقل هزینه انجام دهد (نیک‌بخت و تنانی، ۱۳۸۹). نگاهی به درآمد موسسه حسابرسی دیلویت ۱ به‌عنوان دومین موسسه حسابرسی بزرگ جهان در سال ۲۰۰۸ در کشورهای مختلف بیانگر افزایش درآمد این موسسه به‌رغم سقوط بازارهای مالی است. این امر بدان جهت است که اتفاقاً در دوران سقوط اقتصادی و رکود، محدوده فعالیت حسابرسی دارای ریسک بیشتری بوده لذا حق‌الزحمه بیشتری بابت ریسک‌پذیری بیشتر تعلق خواهد گرفت. درحالی‌که متأسفانه در ایران چنین تصور می‌شود که شرکت‌های زیان‌ده و یا در دوره‌ای که رکود و سقوط اقتصادی حاکم است، حسابرسی مفهوم نداشته و لذا حق‌الزحمه آن باید کاهش یابد. درحالی‌که بخش قابل‌توجهی از حق‌الزحمه حسابرسان ناشی از تخصیص هزینه ریسک است که اتفاقاً با اوضاع اقتصادی نابسامان بالاتر خواهد رفت (امانی و دوانی، ۱۳۸۹). نیکین و ساهلستروم (۲۰۱۵)<sup>۲</sup>، اثر ریسک بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی در کشور انگلستان را بررسی نموده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که حق‌الزحمه خدمات حسابرسی با ابعاد ریسک (ریسک مالی، ریسک عملیاتی و ریسک تجاری) رابطه‌ای مستقیم دارد. طبق یافته‌های این پژوهش هزینه‌های نمایندگی، حجم عملیات شرکت و پیچیدگی حسابرسی از توانایی توصیف حق‌الزحمه خدمات حسابرسی برخوردار هستند. مطالعات هامادا (۱۹۷۲)<sup>۳</sup>، لو (۱۹۷۴)<sup>۴</sup> و گاهلون و جنتری (۱۹۸۲)<sup>۵</sup> نشان می‌دهد که ریسک شرکت تابع مثبتی

از اهرم مالی، اهرم عملیاتی و ریسک تجاری یک شرکت است. از آنجا که حق الزحمه حسابرسی تابع مثبتی از ریسک است، بنابراین بایستی رابطه مثبتی با ابعاد ریسک داشته باشد. در نتیجه می توان فرض کرد که رابطه مثبتی بین حق الزحمه حسابرسی و اهرم مالی، اهرم عملیاتی و ریسک تجاری شرکت برقرار باشد. اگر این فرضیه تأیید شود این بدان معناست که تمام این ابعاد ریسک باید در مدل سازی حق الزحمه حسابرسی استفاده شوند. از طرفی، حسابرسی و حساب دهی در بعد نظارتی هر سیستمی جای دارد و به شکلی گسترده از بالاترین سطح اداره کشور تا کوچک ترین واحد تجاری، کاربرد دارد؛ زیرا هر سیستمی برای اینکه دوام داشته باشد، به نظارت و بازخورد نیاز دارد، اما به رغم وسعت کارهای حسابرسی - با توجه به ضرورت آن - تعیین حق الزحمه این خدمت در کشور ما بر یک مدل علمی استوار نیست و بر یک مبنای منطقی و قابل دفاع نمی توان گفت این کار با توجه به ویژگی های واحد مورد رسیدگی، با چه هزینه ای انجام شدنی است (نیک بخت و تنانی، ۱۳۸۹). از این رو، تغییر رویکرد حسابرسی از فعالیت سیستمی به یک فعالیت مبتنی بر ریسک موجب شده که از این پس کیفیت و روش های انجام کار بیشتر مورد توجه قرار گیرد، زیرا هر چه روش های کار، کیفیت نازل تری داشته باشد، ریسک حرفه ای افزایش خواهد یافت. همچنین کاهش کیفیت ممکن است تهدیدی برای اعتبار، حسن شهرت، حق الزحمه درخواستی حسابرس و مشروعیت حرفه حسابرسی باشد (جعفری، ۱۳۸۵). با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر در پی یافتن شواهد تجربی جهت پاسخ به این سؤال اصلی تحقیق است که آیا بین ابعاد مختلف ریسک و حق الزحمه حسابرسی شرکت ها در بازار سرمایه ایران رابطه معناداری وجود دارد و یا خیر.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

### • ریسک و حق الزحمه حسابرسی

حسابرسی حرفه ای است که در آن سود نهایی هر پروژه حسابرسی، ناشناخته است و حسابرس ممکن است با صورت های مالی حاوی موارد و تحریفات کشف نشده ای مواجه گردد که پس از ارائه گزارش حسابرسی، منتشر شده باشد. چنین افشایی ممکن است به از دست رفتن شهرت حسابرس، از دست دادن مشتری و در بدترین حالت به دعاوی حقوقی پرهزینه بیانجامد. در نتیجه، تابع هزینه های حسابرس متشکل از دو مؤلفه می باشد: میزان ساعات کار مورد استفاده، زیان مورد انتظار آینده (سیمونس و آستین، ۱۹۸۷). ریسک مشتری بر هر دو این مؤلفه ها تأثیر می گذارد. از آنجا که افزایش زیان مورد انتظار آینده، احتمال ورشکستگی را افزایش می دهد، این احتمال نیز که شرکت مجدداً حسابرسی خواهد شد و تحریفات افشا می شود، در خصوص ورشکستگی شرکت، بالاتر خواهد بود. علاوه بر این، به منظور جلوگیری از مشکلات دعاوی قضایی در مورد ورشکستگی،

می‌توان انتظار داشت که حسابرسان تلاش‌های خود را جهت شناسایی تحریف‌ها برای شرکت‌های با احتمال بالا ورشکستگی، افزایش دهند. از این رو حسابرسان بایستی این تلاش بیشتر را به حساب حق‌الزحمه خدمات خود منظور نمایند؛ بنابراین باید یک رابطه مثبت بین حق‌الزحمه حسابرسی و ریسک مشتری وجود داشته باشد. شواهد و پژوهش‌های گذشته از این استدلال حمایت می‌نمایند (سیمونیس و آستین، ۱۹۸۷؛ کوبین، ۲۰۰۲).

چهارچوب نظری برای بهره‌گیری از ویژگی‌های شرکت در سنجش ریسک، بر مطالعاتی بر مبنای ویژگی‌های خاص شرکت، پایه‌گذاری شده است که با ریسک در ارتباط می‌باشد. مطالعات هامادا (۱۹۷۲)، لو (۱۹۷۴) و گاهلون و جنتری (۱۹۸۲) نشان می‌دهد که ریسک شرکت تابع مثبتی از اهرم مالی، اهرم عملیاتی و ریسک تجاری یک شرکت است. از آنجاکه حق‌الزحمه حسابرسی تابع مثبتی از ریسک است، بنابراین بایستی رابطه مثبتی با ابعاد ریسک داشته باشد. در نتیجه می‌توان فرض کرد که رابطه مثبتی بین حق‌الزحمه حسابرسی و اهرم مالی، اهرم عملیاتی و ریسک تجاری شرکت برقرار باشد. اگر این فرضیه تأیید شود این بدان معناست که تمام این ابعاد ریسک باید در مدل‌سازی حق‌الزحمه حسابرسی استفاده شوند.

در حالی که فرض شده است ابعاد ریسک بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر دارد، چندین عامل مؤثر دیگر هم بر حسابرسی اثر می‌گذارند که باید در ساخت مدل گنجانده شوند. اندازه شرکت و پیچیدگی فرایند حسابرسی در میان این عوامل از همه مهم‌ترند (بمبر، بمبر و شادریک، ۱۹۹۳).<sup>۶</sup> اندازه شرکت صاحب کار تأثیر مثبتی بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد. پیچیدگی فرایند حسابرسی سطح تلاش حسابرس را افزایش داده و به این ترتیب، حق‌الزحمه حسابرسی هم افزایش می‌یابد. افزون بر این، با توجه به تئوری نمایندگی، حق‌الزحمه‌های حسابرسی، نشان‌دهنده نظارت بر هزینه می‌باشد که با این عنوان توسط جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)<sup>۷</sup> ارائه شده است؛ بنابراین، عوامل مؤثر بر هزینه‌های نمایندگی که توسط ژول و تسویی (۲۰۰۱)<sup>۸</sup> نیز ارائه شده، باید در این مدل‌سازی منظور شود.

بعلاوه، بر اساس نظریه جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)؛ جنسن (۱۹۸۶، ۱۹۸۹)، مشکل نمایندگی در شرکت‌هایی با جریان نقدی آزاد، شدیدتر است. دلیل آن هم این واقعیت است که اگر شرکت مقدار زیادی ذخایر نقدی داشته باشد، مدیران مجبورند برای اینکه انتخاب اینکه بودجه کجا استفاده شود، انعطاف‌پذیری بیشتری نشان دهند. برای کاهش این مشکل، مالکانی که از کار حسابرسان استفاده می‌کنند، اقدام به بررسی رفتار مدیران می‌نمایند؛ بنابراین می‌توان فرض کرد که رابطه‌ای مثبت بین جریان نقدی آزاد و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد؛ بنابراین بر مبنای ابعاد ریسک، بایستی رابطه مثبتی بین حق‌الزحمه حسابرسی و ابعاد سه‌گانه ریسک وجود داشته

باشد. ضمناً عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی یعنی اندازه شرکت، پیچیدگی فرایند حسابرسی و همچنین هزینه‌های نمایندگی باید در بررسی و ایجاد مدل تأثیر ریسک بر حق الزحمه حسابرسی منظور شود.

### ۳- پیشینه پژوهش

نیکینن و ساهلستروم (۲۰۱۵)<sup>۹</sup> در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه ریسک با حق الزحمه حسابرسی شرکت" به بررسی تأثیر ابعاد مختلف ریسک، یعنی ریسک مالی، اهرم عملیاتی و ریسک تجاری حق الزحمه حسابرسی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش با انتخاب نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های حاضر در بورس سهام لندن طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ نشان داد که حق الزحمه حسابرسی با اهرم مالی، اهرم عملیاتی و ریسک تجاری دارای رابطه مثبت معناداری دارد؛ و اینکه متغیرهای کنترل با توجه به انتظارات رفتار می‌کنند. این به این معنی است که ابعاد سه‌گانه خطر (ریسک) شرکت به حساب تصمیمات حق الزحمه حسابرسی گذاشته می‌شود. دوئلمن و همکاران (۲۰۱۵)<sup>۱۰</sup> در پژوهشی با عنوان "ارتباط بین بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی"، این رابطه را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد شرکت‌های که مدیران بیش اطمینان دارند، برای حسابرسی حق الزحمه کمتری پرداخت می‌کنند. همچنین مدیران بیش اطمینان با احتمال کمتری از حسابرس متخصص صنعت استفاده می‌کنند. دناهو و نکل (۲۰۱۴) به تحقیقی با عنوان "تأثیر وضعیت مالیاتی شرکت‌ها را بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی با در نظر گرفتن تخصص صنعت حسابرسی" پرداختند و نتیجه گرفتند پیچیدگی‌های وضعیت مالیاتی شرکت و الزامات گزارشگری آن، کاربردهای زیادی برای تصمیم‌های حسابرسان مستقل در پی دارد. بر اساس یافته‌های آنان، در موقعیت‌هایی که وضعیت مالیاتی پر ریسک (نامطمئن) حاکم است، حق الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌شود. در همین راستا نتایج پژوهش آنان نشان داد شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیاتی کمتری (اجتناب مالیاتی بیشتری) دارند، به‌طور متوسط حدود ۶ درصد حق الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند. در ضمن، چنانچه عدم شفافیت مالیاتی خیلی زیاد نباشد، انجام خدمات مالیاتی برای واحدهای تحت رسیدگی با ایجاد آگاهی درباره وضعیت مالیاتی، افزایش حق الزحمه حسابرسی را متعادل می‌کند. همچنین، حسابرسی توسط فرد متخصص، حق الزحمه بیشتری در پی دارد که این موضوع ارتباطی به وضعیت مالیاتی شرکت ندارد و از آن مستقل است. حسن و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی رابطه میان حاکمیت شرکتی و حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها در کشور پاکستان پرداختند. آن‌ها در این پژوهش برای سنجش حاکمیت شرکتی از مؤلفه‌های اندازه شرکت و اهرم مالی استفاده نمودند. نمونه آماری پژوهش

شامل ۳۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس کراچی طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ بوده است. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی، اندازه شرکت و اهرم مالی رابطه مثبتی با حق‌الزحمه حسابرسی دارند. موتینه و همکاران (۲۰۱۲)<sup>۱۱</sup> در پژوهش خود با عنوان "حق‌الزحمه حسابرسی و عملکرد شرکت" به بررسی رابطه بین هزینه حسابرسی و عملکرد شرکت پرداختند. نمونه موردبررسی این پژوهش متشکل از شرکت‌های غیرمالی آمریکایی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ است. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر آن بود که سود عملیاتی شرکت رابطه معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد. هو و همکاران (۲۰۱۲)<sup>۱۲</sup> رابطه بین مالکیت نهادی و حق‌الزحمه حسابرسی را موردبررسی قرار دادند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۴۲۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس چین در سال ۲۰۰۸ بوده است. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که شرکت‌هایی که توسط دولت مرکزی کنترل می‌شوند، در مقابل آن‌هایی که توسط دولت محلی کنترل می‌شوند، حق‌الزحمه کمتری پرداخت می‌کنند.

خدادای و همکاران (۱۳۹۳) به تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مالکیت خانوادگی و مالکیت دولتی اثر معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارند، اما نتایج پژوهش برای مالکیت نهادی و مالکیت مدیریت بر حق‌الزحمه حسابرسی معنادار نبوده است. کرمی (۱۳۹۲) به پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش تمرکز مالکیت سهامداران، هزینه‌های نمایندگی کاهش یافته و با کاهش هزینه‌های نمایندگی، حق‌الزحمه حسابرسی و احتمال انتخاب موسسه حسابرسی بزرگ نیز کاهش می‌یابد. بنی مهد و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرس به بررسی اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر صدور گزارش مقبول حسابرسی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میان حق‌الزحمه حسابرس، اندازه صاحب‌کار، گزارش زیان توسط صاحب‌کار و سن شرکت مورد رسیدگی و صدور گزارش مقبول حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد. بر اساس نتایج پژوهش، حق‌الزحمه حسابرس رابطه مستقیم با صدور گزارش مقبول حسابرسی دارد. اندازه شرکت، سن شرکت و گزارش زیان رابطه معکوس با گزارش مقبول حسابرسی دارد. همچنین تغییر حسابرس، نوع حسابرس، مدت تصدی حسابرس با صدور گزارش مقبول حسابرس رابطه‌ای ندارد. علوی طبری و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان مسئله نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل آزمونی مبتنی بر فرضیه جریان‌های نقدی آزاد به بررسی تأثیر مسائل ناشی از جریان‌های نقدی آزاد شرکت‌ها بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حق‌الزحمه

حسابرسی در شرکت‌هایی که جریان‌های نقدی آزاد آن‌ها بالا و فرصت‌های رشد آن‌ها زیاد است، بالاتر از شرکت‌هایی است که جریان‌های نقدی آزاد آن‌ها پایین اما فرصت‌های رشد بالایی دارند. به‌علاوه در شرکت‌هایی که جریان‌های نقدی آزاد و فرصت‌های رشد آن‌ها بالا باشد، یا افزایش میزان بدهی‌ها میانگین حق‌الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد؛ اما بر طبق نتایج حاصل، افزایش میزان سود تقسیمی موجب کاهش مسئله نمایندگی ناشی از جریان‌های نقد آزاد نمی‌شود. ملکیان و همکاران (۱۳۹۱) به پژوهشی با عنوان بررسی رابطه برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، حق‌الزحمه حسابرسی و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. تحقیقات نشان دادند که ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف با کیفیت گزارشگری مالی پایین و مشکل کنترل داخلی در ارتباط است. حاکمیت شرکتی ضعیف احتمالاً میزان ارزیابی ریسک ذاتی و ریسک کنترل را افزایش می‌دهد. افزایش این ریسک‌ها روی بودجه زمانی حسابرسی اثر می‌گذارد که باعث افزایش حق‌الزحمه حسابرسی مستقل می‌شود. یافته‌های تحقیق در خصوص ارتباط بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی و حق‌الزحمه حسابرسی بیانگر وجود رابطه منفی بین حق‌الزحمه حسابرسی و درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و رابطه مثبت بین دوگانگی مدیرعامل با حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. همچنین، رابطه بین دوگانگی مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی هنگامی که مالکیت پراکنده است، قوی‌تر است.

#### ۴- فرضیات پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش، فرضیات به‌صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بین ریسک مالی و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین ریسک عملیاتی و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین ریسک تجاری و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

#### ۵- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های شبه تجربی و پس‌رویدادی است و با استفاده از اطلاعات گذشته انجام می‌شود (عبدالخلیق و آجین کیا، ۱۳۷۹). دوره زمانی این پژوهش ۵ سال، از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ و جامعه آماری این پژوهش نیز متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تا ابتدای سال ۱۳۹۲ است. همچنین در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری هدفمند استفاده می‌شود. بر این اساس، به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها باید

منتهی به پایان اسفندماه باشد و طی دوره موردبررسی تغییر سال مالی نداشته باشند. همچنین، طی دوره موردبررسی فعالیت مستمر داشته و سهام آن بدون وقفه بااهمیت، مورد معامله قرار گرفته باشد؛ و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام نیز در هیچ سالی منفی نباشد. همچنین، کلیه اطلاعات مالی و غیرمالی موردنیاز، از جمله یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی نیز در دسترس باشد. درنهایت، با توجه به معیارهای ذکرشده، تعداد ۸۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ برای این پژوهش انتخاب‌شده است.

همچنین، برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و برآورد مدل‌های پژوهش، از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی داده‌های ترکیبی به روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده می‌شود. برای تشخیص روش تخمین مناسب باید آزمون‌های مختلفی انجام داد. رایج‌ترین آزمون‌های مورد استفاده، عبارت است از آزمون چاو برای انتخاب مدل اثرات ثابت یا مدل داده‌های تلفیقی (اثرات مشترک)، آزمون بروش پاگان برای انتخاب مدل اثرات تصادفی یا مدل داده‌های تلفیقی و آزمون هاسمن برای انتخاب یکی از مدل‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی است. در همین راستا، برای تجزیه‌وتحلیل اولیه داده‌ها و محاسبه متغیرهای پژوهش نیز از نرم‌افزار اکسل نسخه ۲۰۱۳ و به‌منظور انجام آزمون‌های آماری و تجزیه‌وتحلیل نهایی، از نرم‌افزار ایویوز نسخه نهم استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. بدین منظور برای مطالعه ادبیات موضوع و بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌گرفته، از مقاله‌ها و مجله‌های تخصصی فارسی و لاتین بهره‌جویی شده است. برای جمع‌آوری داده‌های متغیرهای پژوهش از پایگاه اینترنتی متعلق به مرکز مدیریت پژوهش و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است.

#### ۶- مدل آزمون فرضیه‌ها و تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیات پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$AuditFEE_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 FLEV_{i,t} + \beta_2 OLEV_{i,t} + \beta_3 BR_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 CashD_{i,t} + \beta_6 MBV_{i,t} + \beta_7 FCF_{i,t} + \beta_8 GROWTH_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} + \beta_{10} Q\_Tobin_{i,t} + \beta_{11} LIQ_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$



جدول ۱- تعریف عملیاتی متغیرها

نام متغیر	تعریف عملیاتی
حق الزحمه حسابرسی (AuditFEE)	برای محاسبه آن از لگاریتم طبیعی هزینه حسابرسی استفاده شده است (بن علی و لسیج، ۲۰۱۲). استفاده از لگاریتم، به منظور همگن کردن متغیر حق الزحمه حسابرسی با سایر متغیرها بوده است. این متغیر از متن صورت‌های مالی، بخش هزینه‌های عمومی اداری، هزینه حسابرسی و سایر هزینه‌ها استخراج شده است.
ریسک مالی شرکت (FLEV)	این نسبت از تقسیم جمع بدهی به جمع دارایی‌ها به دست می‌آید. اهرم مالی عامل فزاینده ریسک مالی است. هرچقدر انحراف (یا احتمال انحراف) از پیش‌بینی بیشتر باشد ریسک مالی شرکت نیز بیشتر است. این اهرم به هزینه‌های ثابت مالی (هزینه بهره و کارمزدهای بانکی) بستگی دارد (تقوی، ۱۳۸۶).
ریسک عملیاتی شرکت (OLEV)	اهرم عملیاتی، درصد تغییرات سود قبل از بهره و مالیات تقسیم‌بر درصد تغییرات تولید (فروش) است. اهرم عملیاتی نقش مهمی در محاسبه پیش‌بینی سود قبل از بهره و مالیات و ریسک تجاری دارد (وستون و همکاران، ۲۰۰۴). این اهرم به هزینه‌های ثابت عملیاتی (هزینه‌های ثابت به‌جز بهره وام‌ها) بستگی دارد (تقوی، ۱۳۸۶).
ریسک تجاری شرکت (BR)	بخشی از ریسک شرکت که مربوط به ترکیب دارایی و تصمیمات عملیاتی شرکت است. ریسک تجاری در حقیقت تغییرپذیری سود قبل از بهره و مالیات شرکت است. هرقدر اهرم عملیاتی بزرگ‌تر باشد، ریسک تجاری شرکت نیز بزرگ‌تر است و با تغییر کوچکی در عملیات شرکت ریسک شرکت تغییر می‌کند (وستون و همکاران، ۲۰۰۴).
اندازه شرکت (SIZE)	با استفاده از لگاریتم طبیعی ارزش سهام شرکت برآورد شده است. به دلیل استقرار سیستم‌های کنترل قوی در شرکت‌های بزرگ، احتمال وقوع اشتباه-چه سهوی چه عمدی- در صورت‌های مالی کاهش پیدا می‌کند و به تبع آن حساب‌رسان می‌توانند اتکای بیشتری بر سیستم کنترل داخلی شرکت نموده و به نحو قابل‌ملاحظه‌ای حجم آزمون‌های محتوا را کاهش دهند (علوی طبری و عارف منش، ۱۳۹۲).
سطح وجه نقد نگهداری شده (CashD)	متغیر مجازی سطح وجه نقد نگهداری شده برای شرکت $i$ در سال $t$ ، مجموع نقد و معادل وجه نقد به کسر بدهی‌های جاری شرکت است که برای سطح وجه نقد نگهداری شده مثبت $1$ و برای سطح وجه نقد نگهداری شده منفی صفر در نظر گرفته می‌شود.
نسبت ارزش بازار به دفتری (MBV)	برابر است با نسبت ارزش بازار کل دارایی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها (محمودآبادی و مهتری، ۱۳۹۰). شرکت‌هایی که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سرمایه بیشتری دارند، به سبب اینکه شاید بخش اعظم ارزش سرمایه‌گذاری‌شان مربوط به پروژه‌های با ریسک بالا باشد و در مواقع ورشکستگی، شرکت با دعاوی حقوقی زیادی علیه خود مواجه باشد، لذا طبق تبیین دعاوی حقوقی محافظه‌کاری نیاز بیشتری به رویه‌های محافظه‌کارانه دیده می‌شود (خان واتس، ۲۰۰۹).
جریان وجه نقد آزاد (FCF)	بر اساس مطالعات صورت گرفته توسط جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) و جنسن (۱۹۸۹، ۱۹۸۶)، مشکل نمایندگی در شرکت‌هایی با جریان نقدی آزاد بالاتر، شدید تر است (FCF). دلیل آن هم این واقعیت است که اگر یک شرکت مقدار زیادی ذخایر نقدی داشته باشد، مدیران مجبورند برای انتخاب اینکه بودجه در کجا استفاده شود، انعطاف‌پذیری بیشتری نشان دهند. برای کاهش این مشکل، مالکانی (صاحب‌کارانی)

تعریف عملیاتی	نام متغیر
<p>که از کار حسابرسان بهره می‌برند، اقدام به بررسی رفتار مدیران می‌نمایند؛ بنابراین می‌توان فرض کرد که یک رابطه مثبت بین جریان نقدی آزاد (FCF) و حقالزحمه حسابرسی وجود دارد (نیکینن وساهلستروم، ۲۰۱۵). بر این اساس، جریان نقد آزاد از طریق فرمول زیر محاسبه شده است:</p> $FCF_{i,t} = INC_{i,t} - TAX_{i,t} - INTEP_{i,t} - PSDIV_{i,t} - CSDIV_{i,t}$ <p>که در آن:</p> <p>و t در سال i جریان نقد آزاد شرکت <math>FCF_{i,t}</math> :</p> <p><math>INC_{i,t}</math>: سود عملیاتی قبل از استهلاک شرکت i در سال t و</p> <p><math>TAX_{i,t}</math>: کل مالیات پرداختی شرکت i در سال t و</p> <p><math>INTEP_{i,t}</math>: هزینه بهره پرداختی شرکت i در سال t و</p> <p><math>PSDIV_{i,t}</math>: سود سهامداران ممتاز پرداختی شرکت i در سال t و</p> <p><math>CSDIV_{i,t}</math>: سود سهامداران عادی پرداختی شرکت i در سال t است.</p>	
<p>نرخ رشد فروش نسبت به سال قبل که از تقسیم تفاضل فروش شرکت i با فروش سال گذشته آن بر فروش سال گذشته شرکت، به دست t در سال می‌آید (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از متغیرهای بنیادین مؤثر بر وضعیت آتی سودآوری شرکت‌ها و بازده سهام سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در دارایی‌های ثابت است که می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به بازده مطلوب در آینده بوده یا به دلیل تحمل ریسک بیشتر بر وضعیت مالی شرکت در نتیجه سرمایه‌گذاری بیشتر، قدرت شرکت را برای حفظ بازده فعلی و رشد آن در دوره‌های آتی، کاهش دهد و در بلندمدت نیز منجر به افت بازده و عملکرد شرکت شود (دارابی و کریمی، ۱۳۸۹).</p>	نرخ رشد (Growth)
<p>سود پیش از بهره و مالیات و استهلاک تقسیم‌بر کل دارایی‌ها است (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۵).</p>	نرخ بازده دارایی (ROA)
<p>لیندنبرگ و رأس (۱۹۸۱)، نشان دادند که از دید نظری و عملی، شاخص کیو توبین برآورد کننده بهتری برای اندازه‌گیری قدرت رقابتی بازار یا ساختار بازار در بین شاخص‌های محاسبه کننده است. از دیدگاه نظری، نسبت کیوتوبین برابر با نسبت ارزش بازار به ارزش جایگزینی دارایی‌های شرکت است. به‌طور واضح دستیابی به داده‌های مربوط به بهای جایگزینی در کشورهای روبه‌پیشرفت، آسان نیست؛ بنابراین همانند پژوهش‌های چانگ و پرویت (۱۹۹۴)، راتیاناسامی و همکاران (۲۰۰۰)، پاندی (۲۰۰۴) و گانی و همکاران (۲۰۱۱)، از ارزش دفتری به‌جای ارزش جایگزینی استفاده شده که به‌صورت رابطه شماره ۳ محاسبه می‌شود.</p> $\text{کیو-توبین (Tobin Q)} = \frac{\text{ارزش بازار کل سهام} + \text{ارزش دفتری کل بدهی‌ها}}{\text{ارزش دفتری کل دارایی‌ها}}$	کیو-توبین (Tobin Q)
<p>مدیریت نسبت جاری، یک عامل بسیار مهم در مورد سودآوری شرکت‌ها محسوب می‌رود، اما نگهداری بیش‌ازحد دارایی جاری به بدهی جاری، باعث محدود شدن شرکت و همچنین از دست دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری آن در بلندمدت خواهد شد (خواجهی و همکاران، ۱۳۹۳)</p>	نقدینگی شرکت (LIQ)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۷- یافته‌های پژوهش

### ۷-۱- آمار توصیفی

جدول ۲، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد را برای نمونه‌ای متشکل از ۴۲۵ شرکت - سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ نشان می‌دهد.

جدول ۲- آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
FEE	۴۲۵	۶/۸۳۶	۶/۵۲۱	۳/۰۵۷	۸/۴۴۲	۰/۷۶۴
FLEV	۴۲۵	۰/۶۵۳	۰/۶۳۸	۰/۱۴۶	۰/۷۸۴	۰/۱۹۲
OLEV	۴۲۵	۰/۴۰۳	۰/۳۸۲	۰/۲۰۹	۰/۵۰۶	۰/۲۳۱
BR	۴۲۵	۱/۴۱۸	۲/۳۰۶	۱/۰۰۸	۴/۰۵۲	۰/۸۶۹
SIZE	۴۲۵	۱۱/۳۷۳	۱۱/۱۸۲	۱۰/۷۰۲	۱۳/۰۲۱	۰/۴۱۶
CashD	۴۲۵	۰/۶۱۴	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۷۲
MBV	۴۲۵	۲/۳۱۷	۱/۷۷۷	۱۱/۹۰۴	۰/۲۶۶	۳/۰۹۴
FCF	۴۲۵	۰/۰۷۳	۰/۰۶۷	-۰/۲۱۵	۱/۰۳۴	۰/۱۳۹
Growht	۴۲۵	۰/۱۷۲	۰/۱۳۲	۲/۰۸۵	-۰/۴۹۰	۰/۲۵۵
ROA	۴۲۵	۰/۱۳۸	۰/۱۲۳	۰/۷۰۰	-۰/۳۸۶	۰/۱۵۳
Q_Tobin	۴۲۵	۱/۳۵	۱/۱۵	۱۲/۳۲	۰/۵۲	۰/۸۲
LIQ	۴۲۵	۰/۱۵۸	۰/۰۹۰	۲/۱۱۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰۸

که در آن: FEE: حق الزحمه حسابرس؛ FLEV: ریسک مالی شرکت؛ OLEV: ریسک عملیاتی شرکت؛ BR: ریسک تجاری شرکت؛ SIZE: اندازه شرکت؛ CashD: وجه نقد نگهداری شده؛ MBV: ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام؛ FCF: جریان وجه نقد آزاد؛ Growht: فرصت‌های رشد؛ ROA: نرخ بازده دارایی؛ Q\_Tobin: کیو توبین و LIQ: نقدینگی شرکت.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۲ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر مشاهده‌ها به‌عنوان شاخص‌های مرکزی و انحراف معیار به‌عنوان شاخص پراکندگی ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر حق الزحمه حسابرسی برابر با ۶/۸۳۶ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه

یکی دیگر از شاخص های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می دهد. همان طور که نتایج نشان می دهد میانه متغیر ریسک اهرم مالی شرکت برابر با ۰/۶۳۸ است که بیانگر این است که نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. انحراف استاندارد یکی از مهم ترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است؛ مقدار این پارامتر برای متغیر اندازه شرکت برابر با ۰/۴۱۶ است.

### ۷-۲- نتایج آزمون فرضیه ها

با توجه به روش مدل سازی داده های تلفیقی، ابتدا باید مشخص نمود که کدام یک از فرض یکسان بودن عرض از مبدأها یا متفاوت بودن آنها برای مقاطع، می بایست اعمال گردد. بدین منظور از آزمون F لیمر استفاده می شود. در این آزمون، فرضیه  $H_0$ ، نشان دهنده یکسان بودن عرض از مبدأها بوده و در مقابل فرضیه  $H_1$ ، دلالت بر ناهمسانی عرض از مبدأها دارد. چنان چه آماره F محاسباتی بیشتر از F جدول باشد، فرضیه صفر ( $H_0$ ) رد شده و متفاوت بودن عرض از مبدأها برای مقاطع مختلف پذیرفته می شود. نتایج مربوط به آزمون F در جدول ۳ نشان داده شده است:

جدول ۳- نتایج آزمون F لیمر برای مدل های تحقیق

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آماره F	مدل (۱)
رد $H_0$	۰/۰۰۰	۶/۳۴۹	

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج این جدول نشان می دهد فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأها در مقاطع مختلف برای تمامی مدل ها رد می شود. پس از مشخص شدن این که عرض از مبدأ برای مقاطع مختلف یکسان نیست، باید روش مورد استفاده در برآورد مدل (اثرات ثابت یا تصادفی) تعیین گردد که بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می شود. در این آزمون فرضیه  $H_0$ ، مبنی بر سازگاری تخمین های اثر تصادفی در مقابل فرضیه  $H_1$ ، مبنی بر ناسازگاری تخمین های اثر تصادفی قرار می گیرد؛ بنابراین در صورتی که  $H_0$  پذیرفته شود، روش اثرات تصادفی بر روش اثرات ثابت ارجح خواهد بود و در غیر این صورت، روش اثرات ثابت بر روش اثرات تصادفی برتری خواهد داشت. نتایج مربوط به آزمون هاسمن در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آماره $\chi^2$	مدل (۱)
$H_0$ رد	۰/۰۱۸	۱/۳۷۸	

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج جدول فوق بیانگر آن است که فرضیه صفر رد شده، لذا مدل‌ها باید به روش اثرات ثابت برآورد گردد. به منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل نیز از آزمون جاک- برا استفاده گردید. از آنجا که نتیجه احتمال آماره جاک- برا، برای مدل‌های تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای اخلال را نمی‌توان رد کرد؛ پس توزیع اجزای اخلال نرمال است. ضمن آنکه، بر اساس قضیه حد مرکزی، در داده‌هایی که تعداد مشاهده‌ها زیاد است، ضرایب نرمال محسوب می‌شوند، هر چند توزیع اجزا نرمال نباشد (گجراتی، ۲۰۰۹). در این تحقیق همچنین، برای آزمون همبستگی بین پسماندها از آماره دوربین- واتسون و برای رفع ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است. علاوه بر این، به منظور اطمینان از عدم وجود مشکل هم خطی چندگانه بین متغیرها، آزمون هم خطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت که با توجه آن که مقادیر این آماره برای متغیرهای توضیحی کمتر از ۱۰ است، می‌توان دریافت که مشکل هم خطی چندگانه تهدیدی جدی برای مدل محسوب نمی‌شود.

جدول ۵- نتایج حاصل از آزمون فرضیات

متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۱/۴۵۴۷	۰/۴۴۳۳	۰/۰۰۱۲
ریسک مالی شرکت (FLEV)	۰/۰۴۳۳	۰/۰۱۳۱	۰/۰۰۱۱
ریسک عملیاتی شرکت (OLEV)	۰/۱۹۶۵	۰/۰۷۵۵	۰/۰۰۹۷
ریسک تجاری شرکت (BR)	۰/۰۶۰۵	۰/۰۸۰۷	۰/۴۵۳۵
اندازه شرکت (SIZE)	۰/۱۴۷۲	۰/۰۵۰۶	۰/۰۳۸۶
سطح وجه نقد نگهداری شده (CashD)	۰/۰۳۴۱	۰/۰۰۹۲	۰/۰۲۰۹
نسبت ارزش بازار به دفتری (MBV)	۰/۰۶۲۲	۰/۰۵۶۹	۰/۰۰۱۹
جریان وجه نقد آزاد (FCF)	۰/۰۸۶۷	۰/۰۵۵۶	۰/۰۰۳۵
نرخ رشد (Growth)	۰/۰۸۳۷	۰/۰۴۰۳	۰/۰۲۹۸
نرخ بازده دارایی (ROA)	۰/۱۴۷۲	۰/۰۵۰۶	۰/۱۱۹۹
کیو-توبین (Q-Tobin)	۰/۱۸۰۲	۰/۰۵۶۱	۰/۰۲۳۲

متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی	ضریب	آماره t	سطح معناداری
نقدینگی شرکت (LIQ)	۰/۰۱۴۵	۰/۰۶۵۲	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده	
۰/۶۱۸		۰/۵۸۱	
آماره F (سطح معناداری)	۱۰/۲۰۶۹۴۰ (۰/۰۰۰۰۰)	دوربین واتسون	۱/۹۶۱

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج برآورد مدل پژوهش به روش GLS در جدول ۵ آمده است. بر اساس نتایج جدول ۵، در مدل ۱ رابطه مثبت معناداری بین ریسک مالی و ریسک تجاری شرکت و حق الزحمه حسابرسی مشاهده می شود و سطح معناداری این متغیرها کمتر از ۵ درصد است. با توجه به اینکه سطح معناداری اندازه شرکت، سطح وجه نقد نگهداری شده، نسبت ارزش بازار به دفتری، جریان وجه نقد آزاد، نرخ رشد، کیو توبین و نقدینگی شرکت نیز کمتر از ۵ درصد است، رابطه معناداری بین حق الزحمه حسابرسی و این متغیرهای مدل وجود دارد. از طرفی با توجه به سطح معناداری متغیر نرخ بازده دارایی که بیشتر از ۵ درصد است، رابطه معناداری بین حق الزحمه حسابرسی و نقدینگی وجود ندارد. مثبت بودن ضریب ریسک مالی و ریسک تجاری در مدل نشان می دهد رابطه بین ریسک مالی و تجاری شرکت با حق الزحمه حسابرسی، مستقیم است. با توجه به سطح معناداری کمتر معیارهای ریسک با حق الزحمه حسابرسی می توان بیان کرد که فرضیه اول و دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین معیارهای ریسک شرکت (ریسک مالی، ریسک تجاری) با حق الزحمه حسابرسی را نشان می دهد.

## ۸- بحث و نتیجه گیری

در این بخش بر اساس مبانی نظری و تحقیقات پیشین و همچنین مدل ها و متغیرهای به کار گرفته شده در این تحقیق به تفسیر نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها پرداخته می شود:

**فرضیه اول** تحقیق رابطه بین ریسک مالی و حق الزحمه حسابرسی را آزمون نموده است. نتیجه آزمون این فرضیه، حاکی از آن است که بین ریسک مالی و حق الزحمه حسابرسی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این بدان معناست که استفاده از بدهی ضمن ایجاد هزینه های ثابت قابل توجه (هزینه های مالی مربوط)، موجب افزایش اهرم و در نتیجه ریسک شرکت ها می شود. در واقع نسبت بدهی، رابطه نمایندگی و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی را از طریق میزان تأمین مالی خارج از حوزه مالکیت نشان می دهد. افزایش در نسبت بدهی به علت تأکید بر رابطه نمایندگی میان

مدیریت و اعتباردهندگان احتمالاً تقاضا برای خدمات حسابرسی و حق الزحمه این خدمات را افزایش می‌دهد. نتیجه به‌دست‌آمده با یافته‌های پژوهش نیکینن و ساهلستروم (۲۰۱۵)، همخوانی دارد.

**فرضیه دوم** پژوهش، رابطه بین ریسک عملیاتی و حق الزحمه حسابرسی موردبررسی قرار گرفت. نتایج آزمون، بیانگر آن است که بین ریسک عملیاتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. تأیید فرضیه فوق بدان معناست که مدیران با استفاده از مزیتی که از اطلاعات نامتقارن به دست می‌آورند، می‌توانند رفتار فرصت‌طلبانه‌ای بر ضد منافع متعلق با مالک اتخاذ کنند، درحالی‌که برای به حداکثر رساندن سود خودشان تلاش می‌کنند. مدیران اغلب به‌منظور گمراه ساختن سهامداران نسبت به عملکرد اقتصادی واقعی شرکت، سود را مدیریت می‌کنند. هدف آن‌ها تغییر دادن گزارش‌های مالی به‌منظور گمراه کردن ذینفعان، یا اثر بر قراردادهایی که مبتنی بر ارقام حسابداری هستند، می‌باشد. در نتیجه بروز این تضاد منافع، افراد ذینفع جهت همسو ساختن منافع سایرین با خود یا به حداقل رساندن آثار ناشی از تضاد منافع باید متحمل هزینه‌های نمایندگی شوند. مدیر که در کانون این تضاد منافع قرار دارد، با ارائه اطلاعات مالی شرکت سعی می‌نماید تا هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد؛ اما به علت اختیارات مدیریت، نیاز نظارت بر عملکرد مدیر، قضاوت کارشناسانه حسابرسان مستقل را مطرح می‌نماید. ازاین‌رو افزایش ریسک عملیاتی شرکت، منجر به افزایش تمرکز حسابرسان و حق الزحمه خدمات حسابرسی خواهد شد. این یافته با نتایج پژوهش نیکینن و ساهلستروم (۲۰۱۵) و (جنسن، ۱۹۹۳) و (مک نیکولز و استیون، ۲۰۰۸) و (هیلی و هلن ۱۹۹۹)<sup>۱۳</sup> و (جنسن، مک‌لینگ، ۱۹۷۶) و (ژول و همکاران، ۱۹۹۸) مطابقت دارد، چراکه در پژوهش‌های مورداشاره نیز وجود چنین رابطه‌ای مورد تأیید قرار گرفته است.

**فرضیه سوم** پژوهش، رابطه بین ریسک تجاری و حق الزحمه حسابرسی مورد آزمون قرار داده است. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه سوم حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین ریسک تجاری و حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها می‌باشد. این در حالی است که بر پایه مبانی نظری موجود انتظار می‌رفت که با افزایش ریسک تجاری، حسابرسان برای پوشش ریسک مربوطه حق الزحمه بیشتری مطالبه نمایند؛ اما نتایج تحقیق حاضر وجود چنین رابطه‌ای را تأیید نکرد. کسب نتایج متفاوت را می‌توان ناشی از متغیرهای داخلی و خارجی مانند نوع صنایع، چرخه عمر متفاوت شرکت‌ها و قرار گرفتن در کشورهای مختلف دانست. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از فرضیات پژوهش، پیشنهادهای زیر تدوین شده است:

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد در هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری در کنار متغیرهای مالی، به مؤلفه‌های ریسک شرکت نیز

توجه نموده و آن را به عنوان عاملی مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی شرکتها در مدل های تصمیم گیری خود لحاظ نمایند. همچنین، با توجه به وجود رابطه معنادار بین ریسک مالی و ریسک عملیاتی با حق الزحمه حسابرسی، به تدوین کنندگان مقررات بازار حسابرسی از جمله جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی پیشنهاد می شود تا در راستای تدوین یک الگوی مناسب برای قیمت گذاری خدمات حسابرسی بر مبنای مؤلفه های ریسک شرکت گام بردارند.





## فهرست منابع

- ۱) امانی، علی و غلامحسین دوانی، (۱۳۸۹)، "خدمات حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی و رتبه‌بندی حسابرسان"، فصلنامه حسابدار رسمی، دوره بیستم، شماره هشتم، صص ۳۲-۴۱.
- ۲) بنی مهد، بهمن، مهدی مراد زاده فرد و مهدی زینالی، (۱۳۹۱)، "اثر حق الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرس"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، دوره پنجم، شماره پانزدهم، صص ۴۱-۵۴.
- ۳) تقوی، مهدی، (۱۳۸۶)، "مدیریت مالی"، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۴) جعفری، علی، (۱۳۸۵)، "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی"، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی
- ۵) حجازی، رضوان، روح اله قیطاسی و طالب قیطاسی، (۱۳۹۱)، "اثر اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره چهارم، شماره سیزدهم، صص ۶۲-۷۷.
- ۶) خدادادی، ولی، رامین قربانی و نیکو خوانساری، (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره بیست و یکم، شماره یکم، صص ۵۷-۷۲.
- ۷) خواجوی، شکراله، سجاد بهپور، علیرضا ممتازیان و محسن صالحی نیا، (۱۳۹۳)، "بررسی رابطه متقابل رشد و سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سیستم معادلات همزمان"، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره بیست و یکم، شماره یکم، صص ۷۳-۸۸.
- ۸) دارابی، رؤیا و کریمی، (۱۳۸۹)، "تأثیر نرخ رشد دارایی‌های ثابت بر بازده سهام"، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، دوره دوم، شماره هشتم، صص ۹۹-۱۳۰.
- ۹) علوی طبری، سید حسین، مژگان رباط میلی و فرزانه یوسفی اصل، (۱۳۹۱)، "مسئله نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل آزمونی مبتنی بر فرضیه جریان‌های نقدی آزاد"، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره نوزدهم، شماره دوم، صص ۹۷-۱۲۳.
- ۱۰) علوی طبری، سید حسین و زهره عارف منش، (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه تخصص صنعت حسابرسان و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله دانش حسابداری، دوره چهارم، شماره چهاردهم، صص ۷-۲۶.
- ۱۱) عبدالخلیق، رشاد و آجین کیا بیپین، (۱۳۷۹)، "پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش‌شناختی"، (چاپ اول). ترجمه نمازی، محمد، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

۱۲) کرمی، محمود، (۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

۱۳) محمودآبادی، حمید و زینب مهتری، (۱۳۹۰)، "رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پیشرفت‌های حسابداری، دوره سوم، شماره دوم، صص ۱۱۳-۱۴۰.

۱۴) ملکیان، اسفندیار، احمد احمدپور و میثم طالب تبارآهنگر، (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی، حق‌الزحمه حسابداری و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۳۷-۵۰.

۱۵) مشایخ، شهناز، سونا نوروزی و قشقایی نوروزی، (۱۳۹۵)، "تأثیر سطح وجه نقد نگهداری شده بر رابطه بین بازده سرمایه در گردش"، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابداری، دوره بیست و دوم، شماره یکم، صص ۳۹-۵۴.

۱۶) نیک بخت، محمد رضا و محسن تنانی، (۱۳۸۹)، "آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابداری صورت‌های مالی"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره دوم، شماره دوم، صص ۱۱۱-۱۳۲.

۱۷) وستون فرد جی، بریگام یوگن اف و هاستون، ژول اف، (۲۰۰۴)، "مدیریت مالی"، مترجم حسین عبده تبریزی، سعید اسلامی بیدگلی و ابوذر سروش (۱۳۹۱)، تهران، انتشارات آگه.

18) Bamber, E. M., Bamber, L. S., & Schoderbek, M. P., (1993), "Audit Structure and other Determinants of Audit Report Lag: An Empirical Analysis", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 12, PP. 1-23.

19) Duellman, S., Hurwitz, H. & Sun, Y., (2015), "Managerial Overconfidence and Audit Fees", *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2), PP. 148-165.

20) Donohoe, M. & Knechel, R., (2014), "Does Corporate Tax Aggressiveness Influence Audit Pricing?", *Contemporary Accounting Research*, 31(1), PP. 284-308.

21) Cobbin, P. E., (2002), "International Dimensions of the Audit Fee Determinants Literature", *International Journal of Auditing*, 6, PP. 53-77.

22) Gahlon, J. M., & Gentry, J. A., (1982), "On the Relationship between Systematic Risk and the Degrees of Operating and Financial Leverage", *Financial Management*, 11, PP. 15-23.

23) Gul, F. A., & Tsui, J. S. L., (2001), "Free Cash Flow, Debt Monitoring, and Audit Pricing: Further Evidence on the Role of Director Equity Ownership", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20, PP. 72-84.

- 24) Gul, Ferdinand A., J. Tsui, Charles J. P. Chen, (1998), "Agency Costs and Audit Pricing: Evidence on Discretionary Accruals", Working paper, City University of Hong Kong.
- 25) Hassan, M., Hassan, S., Iqbal, A., & Khan, M. F. A, (2014), "Impact of Corporate Governance on Audit Fee: Empirical Evidence from Pakistan", World Applied Sciences Journal, 30(5), PP. 645-651.
- 26) Hamada, R. S, (1972), "The Effect of the Firm's Capital Structure on the Market Efficiency", Journal of Finance, 27, PP. 435-458.
- 27) Healy, P. M. and J. M. Wahlen, (1999), "A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting", Accounting Horizons, Vol. 13, PP. 365-383.
- 28) Hu, N., Wang, F., Wang, P., & Yao, L. J., & Zhang, J, (2012), "The Impact of Ultimate Ownerships on Audit Fees; Evidence from Chinese Listed Companies", Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics, 19(3), PP. 1-22.
- 29) Jensen, M. C, (1993), "The Modern Industrial Revolution, Exit, and the Failure of Internal Control Systems", Journal of Finance, 48(3), PP. 831-880.
- 30) Jensen, M. C., & Meckling, W, (1976), "A Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure", Journal of Financial Economics, 3, PP. 305-360.
- 31) Jensen, M. C, (1986), "Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance and Takeovers", American Economic Review, 76, PP. 323-329.
- 32) Jensen, M. C, (1989), "Eclipse of the Public Corporation", Harvard Business Review, 5, PP. 61-74.
- 33) Khan, Mozaffar and Watts, Ross, (2009), "Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measur of Accounting Conservatism", Journal of Accounting and Economics. Vol. 48(2-3), PP. 132-150.
- 34) Lev, B, (1974), "On the Association between Operating Leverage and Risk", Journal of Financial and Quantitative Analysis, 9, PP. 627-641.
- 35) McNichols, M.F. and S. R. Stubben, (2008), "Does Earnings Management Affect Firm Investment Decisions?", The Accounting Review 83(6), PP. 1571-1603.
- 36) Moutinho, Vânia and Cerqueira, António and Brandao, Elisio, (2012), "Audit Fees and Firm Performance", Available at Ssrn: [Http://Ssrn.Com/Abstract=2180020](http://Ssrn.Com/Abstract=2180020) Or [Http://Dx.Doi.Org/10.2139/Ssrn.2180020](http://Dx.Doi.Org/10.2139/Ssrn.2180020).
- 37) Simunic, D. A., & Stein, M. T, (1987), "The Impact of Litigation Risk on Audit Pricing: A Review of the Economics and the Evidence", Auditing: A Journal of Practice & Theory, 15, PP. 120-134.
- 38) Nikkinen, Jussi & Petri Sahlstrom, (2015), "Risk in Audit Pricing: The Role of Firm-Specific Dimensions of Risk", Advances in International Accounting, Vol. 19, PP. 141- 151

#### یادداشت‌ها

1. Simunic
2. Nikkinen
3. Hamada

4. Lev
5. Gahlon
6. Bamber
7. Jensen, M. C
8. Gul
9. Nikkinen
10. Duellman
11. Moutinho
12. Hu
13. Healy

